



www.KetabFarsi.com

بخش پنجم  
شهیدان







## سی تیر

(به یاد شهیدان سی تیر ۱۳۳۱)

بیا تا به یاد شهیدان تیر  
همان اخترانی که افروختند  
که رفتند در راه فتح و امید  
دل و جان به دامن صبح سپید

بپا کنیم پرچم خشم و کین را  
پی افکنیم زندگانی نوین  
خروش ما بر کند بنای بیداد  
به سر رسد این نبرد آخرین

دمد لاله‌ها از دل و کوه و دشت  
خروشد کنون آتش انقلاب  
به یاد عزیز شهیدان ما  
ز هر گوشه‌ی خاک ایران ما

بپا کنیم پرچم خشم و کین را  
پی افکنیم زندگانی نوین  
خروش ما بر کند بنای بیداد  
به سر رسد این نبرد آخرین

به نیروی ملت شود سرنگون  
فروریزد ازین بنای ستم  
بناهای بیداد اهریمنان  
به نیروی خلاق زحمتکشان

بپا کنیم پرچم خشم و کین را  
پی افکنیم زندگانی نوین  
خروش ما بر کند بنای بیداد  
به سر رسد این نبرد آخرین

بُود راه ما خدمت توده‌ها  
کنیم پرچم اتحادی بپا  
در این ره کنیم جان خود را فدا  
به شادی ز خون شهیدان ما

بپا کنیم پرچم خشم و کین را  
پی افکنیم زندگانی نوین  
خروش ما بر کند بنای بیداد  
به سر رسد این نبرد آخرین



## قطره های خون

سرود انجمن دانشجویان ایرانی شمال کالیفرنیا  
بر وزن آهنگ: الیه ناز  
با صدای حمید اشرف هم خوانده شده

باز، این دژخیم بلید/ از گلستان خلق  
گل هایی تازه رس / از هراسش ربود  
باز، موج خشمی عظیم / در دل خرد و پیر  
جوشان گشت و به پیش / قاطع تر رو نمود

آنها رفتند و لیکن / از هر قطره خون  
در بستان رزم خلق/ زان پس تا کنون  
هزاران گل شکفت

رزم خلق جاویدان است / دشمن سرنگون  
بیکاری قهرآمیز و / راهی بس گلگون  
مملو از خیز و افت

در جهان به از این ، راهی بهر ما نیست ، بهر ما نیست  
راه ما جز ره خلق چیست ، خلق چیست

آنها رفتند و لیکن / از هر قطره خون  
در بستان رزم خلق/ زان پس تا کنون  
هزاران گل شکفت

رزم خلق جاویدان است / دشمن سرنگون  
بیکاری قهرآمیز و / راهی بس گلگون  
مملو از خیز و افت



## آنها سه تن بدند

شعر: محمد علی سپانلو

اینجا به زیر خاک / آرام و بی صدا  
 خفته است دیدگان سه سیمای نورسید  
 از کارمانده است ، سه قلب پر از امید  
 اینجا، در این مزار / در زیر خاک سرد  
 ناگفته رازهای نهان مرده روی لب  
 آهنگ عشق و زمزمه‌ی گنگ نیمه شب / مانده است ناتمام  
 اینجا در این سکوت / در برگ‌های زرد / که دامان همی کشند ،  
 چون روح گمشده به سرایشب گورها  
 همراه بانگ شیون خاموش باد سرد / می‌افکند طنین :  
 لالای مادری که گمان می‌کند هنوز / رفته است نوجوان عزیزش به خواب خوش  
 اینجا به خواب ناز فرو رفته «مصطفی» / اینجا فرو تپیده دل گرم «قندچی»  
 اینجا «شریعت رضوی» بسته دیدگان / اینجا، به زیر خاک، نهان قلب ملت است  
 اینجا، در این مکان، سه گل خون شکفته است / فرزندان خلق در دل این گور خفته است  
 و آن خلق بی شکست / با خون سرخ خویش  
 اینجا در این مزار نوشته است یادگار  
 اینجا به زیر سایه‌ی سرنیزه‌های سرد  
 نارس جوانه‌ها / کز بوستان خلق  
 با دست دشمنان بشکسته است ساقشان  
 خوش آرمیده‌اند همه در کنار هم  
 آنها سه تن بدند / سه شاخ از سه بوستان  
 اینجا سه تن، سه رنج، سه امید گمشده / آرام خفته‌اند  
 اینجا میان پنجه‌ی دریای پر ز موج / در زیر ابر تار  
 اندر غریب‌رعد / همراه باد و برق  
 روزی ، دمی ، سه قطره شفاف و تابناک  
 آرام در دل صدف زندگی چکید / تا آورد به بار  
 روز دگر سه گوهر پر بار افتخار  
 آنها سه تن بدند و چو بسیار دیگران  
 هستند پا به پهنه‌ی دنیای بی‌کران / اما زمان مرگ  
 آنها سه تن بدند که مردند قهرمان  
 آنها سه تن بدند که ماندند جاودان

## برپا ای هموطن

بر وزن آهنگ: ای ایران

برپا، برپا، ای هموطن  
 در زندان‌ها، از شکنجه‌ها  
 یارانت شدند گلگون کفن  
 سرها گشته، دور از بدن  
 اینک، برای بار دیگری بپا شویم  
 انقلاب دیگری ز نو بپا کنیم  
 در راه خلق جان فدا کنیم  
 از راه خلق، ما دفاع کنیم  
 در راه خلق گریک نفر قهرمان جان دهد  
 صدها نفر جای او پا نهد

### بی نام

شعر: خسرو گل‌سرخ

بر سینه‌ات نشست، زخم عمیق و کاری دشمن / اما، ای سرو ایستاده نیفتادی (۲)  
 این رسم توست، این رسم توست / این رسم توست، که ایستاده بمیری  
 در تو ترانه‌های خنجر و خون / در تو پرندگان مهاجر / در تو سرود فتح (۳)  
 این گونه چشم‌های تو روشن، (هرگز نبوده است) (۲)  
 با خون تو / میدان توپخانه / در خشم خلق / بیدار می‌شود  
 مردم ز آن / سوی توپخانه / به این سوی / سر ریز می‌کنند  
 نان و گرسنگی (۲) / به تساوی تقسیم می‌شود  
 به تساوی، به تساوی / به تساوی تقسیم می‌شود  
 ای سرو ایستاده / این مرگ توست / این مرگ توست / این مرگ توست که می‌سازد  
 دشمن / دشمن دیوار، دیوار می‌کشد (۲) / این عابران خوب و ستم‌بر / نام، نام ترا (۲)  
 این عابران زنده نمی‌دانند / و این دریغ است (۲)  
 اما روزی که خلق بداند / هر قطره خونت محراب می‌شود  
 این خلق / نام بزرگ ترا / در هر سرود میهنی‌اش / آواز می‌دهد  
 نام تو پرچم ایران / خزر به نام تو زنده است

## قهر انقلاب

با صدای حمید اشرف

تا قهر انقلاب رهنمود ماست / تا عشق توده‌ها در وجود ماست  
 فتح آخرین بی‌شک از آن ماست / تا اتحاد ما برپا برپا بریاست (۲)  
 شهید جنگل، یل سیه‌کل، به تیرگی‌ها، زدی تو صیقل (۲)  
 خاطرت در دل جاودان شده / نام تو جاری بر زبان شده  
 نثار تو درود ما، به نام تو سرود ما  
 بیمان ما با تو ناگسستنی است / پیکار تو در هم نا شکستنی ست  
 چون مسلح است، رسم نبرد تو / صبح پیروزی، باشد از آن تو (۲)  
 شکست دیروز، تلاش امروز، نوید فرداست، فردای پیروز (۲)  
 خون تو جوشد در وجود ما / قهر تو باشد رهنمود ما  
 نثار تو درود ما، به نام تو سرود ما (۲)

### شورش (۱)

شورشی بپا شده از برای خلق ما / جان خود کنند فدا، از برای خلق ما  
 دسته دسته می‌برند، مردم دلیر ما / سوی قصر و قلعه‌ها از شمال و شرق ما  
 شورش، دشمن از وجود تو هراسان / عصر جابران رسد به پایان  
 با تو هم صدا شویم، ایران، ایران / جان کنند فدای تو دلیران  
 در رهت به افتخار و با عشق / جان به هدیه آورند، شهیدان  
 سنگر مجاهدین، پر زخشم و پر ز کین / غرش تفنگ و توپ دشمن افکند طنین  
 جانفشانی چریک، استقامت رفیق / خون سرخشان کند، همچو گلشن این زمین  
 لاله‌های سرخ ما جان خود کنند فدا / اشرف و شهین شوند (۲)، همچو اخگر آتشین  
 شورش، دشمن از وجود تو هراسان / عصر جابران رسد به پایان  
 با تو هم صدا شویم، ایران، ایران / جان کنند فدای تو دلیران  
 در رهت به افتخار و با عشق / جان به هدیه آورند، شهیدان  
 در رهت به افتخار و با عشق / جان به هدیه آورند، شهیدان

۱ - سرود انجمن دانشجویان ایرانی شمال کالیفرنیا

۲ - اشرف دهقانی، شهین توکلی





## تسلیت

درختان تسلیت  
 جنگل غمان آخرت باشد  
 شنیدم سینه‌ات را بمب آلوده است  
 من اندوه بزرگت را پذیرایم  
 ولی آخر چرا جنگل ، چرا باید کنام شیر را ، با بمب آلودن ؟  
 چرا بر سینه مردان چنین رگبار بگشودن ، چرا نامرد بودن ، مرد نابودن  
 من اکنون اوج فریادم و سرشارم ز خونی گرم در رگها  
 ز خون پاک سرداران جنگل  
 خون آن پاکان که در یک صبح خون آلود  
 آسودند و من اکنون ، دلم چون سینه‌ی مردم فراز آن شهیدان است  
 و تا فردای پیروزی وجودم صبحگاه تیرباران است

## شهادای جاوید (\*)

باران می‌بارد از دیدگان ما ، بر مزارتان  
 در خاک خفتگان جاویدان ، ای مردان و زنان  
 خورشید رزمستان سرزده ز هر جای این جهان  
 تا روشن کند شب‌های سرد و خاموش انسان  
 به فردا که انسان رها می‌شود / ز سرمایه‌داران نماند نشان  
 دریا شکن شکن ، ریخته گیسوان در نسیم صبح  
 ز جا کننده شب توفانش ، در و دیوار زندان  
 بهاران پر از عطرنان سفره‌هاست / شکفته گل باغ زحمتکشان  
 در آن زمان ما می‌گوئیم به جهان که شما چه سان  
 به زندگی دل بسته بودید و دل کندید از جان

## ژاله خون شد

ژاله بر سنگ افتاد، چون شد / ژاله خون شد  
 خون چه شد؟ خون چه شد؟ / خون جنون شد  
 ژاله خون کن، خون جنون کن / سلطنت زین جنون واژگون کن  
 ژاله بر گل نشان، گلپران کن / بر شهیدان زمین گلستان کن  
 نام گمنامها جاودان کن / تا به صبح آید این شام تیره  
 در شب تیره آتش فشان کن (۲)  
 دست در کن، شو خطر کن / خانه‌ی ظلم زیر و زیر کن (۲)  
 جان خواهر، روستایی، برادر / پیشه‌ور، ای جوان، ای دلاور  
 ما همه یک صف و در برابر / آن ستم‌کار، آن تاج بر سر  
 دست در کن، شو خطر کن / خانه‌ی ظلم زیر و زیر کن  
 خواهر من، گرامی برادر / چون به هر حال تنهاست  
 من به خاک افتادم تو بگذر / بهر ایجاد دهن  
 دست در کن، شو خطر کن / خانه‌ی ظلم زیر و زیر کن  
 ای شما ای صف بی‌شماران / اشک و خون  
 بر سر هر گذرگاه و میدان / ژاله شد  
 ژاله خون، ژاله دریای خون شد /  
 سلطنت واژگون،

ژاله بر سنگ افتاد، چو  
 خون چه شد؟ خون  
 ژاله خون کن، خون جن

نغمه در نغمه  
 چشم هر اختر  
 شب خود گامه که  
 بوسه بر زخم پدر ز  
 روی شکیب گران ماند  
 آن که چون غنچه ورق  
 آن دلاور که نفس با گل  
 وه که آن دلبز دلباخته آن شد  
 عاقبت آتش هنگامه به میدان  
 شادای عشق که در باغ زمستان

این گله

در

عزیز من، خیز و



## ای سرود آوران سپیده

ای سرود آوران سپیده / ای شهیدان در خون تپیده  
 مژده ، مژده شد ستم گم / خشم مردم  
 باز علم کرد پرچم کاوه از داد خواهی  
 تا برآید از سر بدگنش تاج شاهی  
 ای فتاده به زنجیر ایام  
 یک جهش مانده تا برکنی دام / یک قدم مانده یک خیز یک گام  
 بشکنی این قفس / تا برآری نفس / چون ذرای جرس  
 باتک برداری از دل به هر یام  
 (روز سرکوبی استبداد - روز جمهوری و آزادی) (۲)  
 ای سرود آوران سپیده / ای شهیدان در خون تپیده  
 درود ، درود ، درود ، درود ، درود

## نغمه‌ی خون

ی خون غلغله زد تندر شد  
 بینه که در خون می گشت  
 در بزم گزندش گل خون  
 لب خونین پسر  
 می خورشید چکید  
 در ورق خون می بست  
 تون می آراست  
 تنگان  
 می سرخ  
 افکند  
 می سوخت

شد زمین رنگ دگر ، رنگ زمان دیگر شد  
 برق خشمی زد و بر قله‌ی شب خنجر شد  
 زیر رگبار جنون جوش زد و پریز شد  
 آتش سینه‌ی خون داغ دل مادر شد  
 کوهی از آتش و خون موج زد و سنگر شد  
 شعله زد در شفق خون، شرف خاور شد  
 لبش آتش زنه آمد، سخنش آذر شد  
 ناول تجربه آورد ، تب باور شد  
 رهروان را ره شبگیر زد و رهبر شد  
 آن همه خرمن خون شعله که خاکستر شد  
 آتش قهقهه در گل زد و بار آور شد



## یاد یاران

مجموعه سرودهای «به یاد قیام»

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

آهنگ : شیلیایی : Venceremos

دارد از بتک کارگر نشان  
توده‌ها را دهیم سازمان  
کارگر تکیه بر بازوان  
حمله‌ور بر صف دشمنان

گشته بریا کنون پرچم ما  
یاد یاران کنیم زنده در جان  
یک صف و یک صدا بزرگتر با  
بدر سرخش پیاشد به هرجا

از شهیدان، گشته میدان نغمه در نغمه از خونشان  
زنده گردد، یاد یاران، رنگ دیگر شود این جهان  
ارتش کار رزم و پیکار می کند بهر آزادی اش  
می گشاید راه خود را سوی فردای پر شادی اش

بازوان حلقه در بازوان  
غرق اختر شده آسمان  
رنج و زحمت به هرجا رها  
در گلوهای خونین ما

مشت ما متحد گشته باهم  
تا بد اکنون نام یاران  
خلق ایران شود از ستم‌ها  
بشکفت گل دهد نغمه ما

تیر دشمن می درد تن، می کشد گرد ما او حصار  
بند و زندان، تیر و میدان، باشد این رسم سرمایه‌دار  
مشت یاران دشمنان را پوزه در خاک و خون می کشد  
هر که توفان را به زندان در کشد عاقبت این سزاست

## سینه سرخان اوین

سینه سرخان اوین را خنجر کین آختند  
زان همه شوریدگان جاودان در شهر یاد  
آه، ای آذر می آرمگین با ما بگو  
با کدام افسون مرگ ارواح سرگردان شب  
و آن لبان زخم چاک آن سان سرود سبز را  
هان بگو ای واپسین آوای میدان‌های تیر  
مام میهن ماتم افزا خون به دامن می گریست (۲)  
سینه بگشادند و رخ در خون خویش افروختند  
سربداران بهین را سر به دار افراختند  
بی کسانه هر کسی را گورگاهی ساختند  
شعله‌های سرخ آذر را چه سان بگذاختند  
بر هم آوازان راه بامدادان تاختند  
در کدامین گرگ و میش خون چکان بنواختند  
کازمون را آرشان، پیکان جان انداختند  
پس سرودی در امید واپسین پرداختند (۲)  
این چنین پرچم به آئین سوی صبح افراشتند



## شهید

شعر: سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر / آهنگ: سربازان مرداب (آلمانی) (Moor Soldaten)

با دستان بسته برندش / در میدان تیرباران  
 قلبش اما می تپد اینک / با قلب کارگران  
 نامش چو اختری در / آسمان کار است، کنون  
 بر سینه اش مدال / سرخ افتخار است، ز خون  
 بازویش در حلقه ی دستبند / و زنجیر جلادان  
 چشمش اما خیره در آفاق / بر صبح زحمتکشان  
 راهش ادامه دارد / با خروش یاران کنون  
 شلیک تیر دشمن / بیکرش نشانند به خون  
 لرزاند یا نعره ی / طوفان زایش دیوار زندان  
 زنده ماند خاطره ی او / در رزم سرخ یاران  
 بی آن که خم کند پا / بر زمین فتد با غرور  
 جان می دهد به راه / توده ی خروشان کنون

## شهیدان

مجموعه سرودهای «به یاد قیام»: سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

شهیدان، شهیدان، شهیدان ما / که از خونتان زنده آرمان ما  
 به میدان تیر شعله ور نامتان / چراغ شب رنج و زندان ما  
 درود بر تو ای جاودان درود  
 که با خون خود خوانده ای این سرود:  
 «به فردای ما، ز پیکار ما  
 نماند به جا از ستم ها نشان  
 به پایان رسد رنج زحمتکشان»  
 شهیدان، شهیدان، شهیدان ما / که با یادتان زنده آرمان ما  
 شد از خونتان پرچمی سرخگون / بر آن نقشی از پتک و سندان ما  
 درود بر تو ای جاودان درود  
 که با خون خود خوانده ای این سرود:  
 «به فردای ما، ز پیکار ما  
 نماند به جا از ستم ها نشان  
 به پایان رسد رنج زحمتکشان»



## آن عاشقان شرزه

شعر: محمد رضا شفیعی کدکنی آهنگ: بهرام

آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند  
رفتند و شهر خفته ندانست کیستند  
فریادشان تموج شط حیاط بود  
چون آذرخش در سخن خویش زیستند  
مرغان پرگشوده‌ی توفان که روز مرگ  
دریا و موج و صخره برایشان گریستند  
می‌گفتی ای عزیز! «سترون شده‌ست خالک»  
اینک ببین برابر چشم تو چیستند:  
هر صبح و شب به غارت توفان روند و باز،  
باز آخرین شقایق این باغ نیستند

## نازلی

شعر: احمد شاملو

نازلی بهار خنده زد و ارغوان شکفت  
در خانه زیر پنجره گل داده یاس پیر

دست از گمان بدار

با مرگ نحس پنجه میفکن ، بودن به از نبود شدن

خاصه در بهار، نازلی سخن بگو، نازلی سخن بگو

نازلی سخن نگفت، نازلی ستاره بود

یکدم در این ظلام بدرخشید و جست و رفت

دندان کینه بر جگر خسته بست و رفت

نازلی سخن بگو، نازلی سخن بگو نازلی سخن نگفت

نازلی بنفشه بود، گل داد و مژده داد

که زمستان شکست و رفت دندان کینه بر جگر خسته بست و رفت

نازلی سخن بگو، نازلی سخن بگو نازلی سخن نگفت

نازلی خورشید بود، از تیرگی برآمد و در خون نشست

دندان کینه بر جگر خسته بست و رفت

نازلی سخن بگو، نازلی سخن بگو



## به پیش

از خون پاک هر شهید خلق و میهن  
 صد شاخه‌ی سرخ گل دمد ز خاک  
 گلگون شود کنون زمین و راه و پرچم  
 از این خون گرم و پاک  
 در راه یاران پیمان ببندیم  
 با قلب پر زخشم و پر ز جوش و کین  
 تا برکنیم ریشه‌ی خصم دون را  
 از خاک ایران زمین  
 چون سیل جوشان از ره بروییم  
 خار و خس و بنیاد خصم خویش  
 برپا کنیم حکومت خلق ایران  
 در این ره به پیش، به پیش  
 تا پرچم ظفرنمون انقلاب را  
 بر خاک میهن خود بپا کنیم  
 از بندرها کنون دگر مام میهن  
 با جنگ توده‌ها کنیم  
 با کارگرها، با برزگرها  
 پیوند توده‌ای بپا گر کنیم  
 از بیخ و بن ریشه‌ی خصم دون را  
 از خاک ایران کنیم  
 چون سیل جوشان از ره بروییم  
 خار و خس و بنیاد خصم خویش  
 برپا کنیم حکومت خلق ایران  
 در این ره به پیش، به پیش



## راه صمد

پیامت رهایی ، پیام فدایی (۲)  
 صمد راه تو راه ماست (۴)  
 ارس از تو گوید ... به راه تو پوید (۲)  
 به طغیان رسد (۲) زهر سو برانگیزد امواج  
 به توفان رسد (۲) ارس قلب خونین تو قلب آگاه ماست  
 صمد راه تو راه ماست (۴)  
 ترا سوی دیگر ، ترا سوی زحمتکشان (۲)  
 بیاد تو یک سر ، ارس خون فشان ، (ارس ره نشان) (۲)  
 گل سرخ آنروز (۲) ، سیه کامی رود دیروز  
 به توفنده دریای امروز (۲)  
 صمد عشق تو آتش درس ما ، درس آگاه ماست  
 صمد راه تو راه ماست (۴)

## لاله‌های خرداد

بر شما درود کشتگاه خلق  
 شعله می کشد، خون سرختان  
 تا فراز اوج آسمان / شعله می کشد خون پاکتان  
 تا قیام سرخ لاله‌های خرداد در بهار خونین  
 شد گواه سرخ جان‌بازی‌های خلق خونتان پرچم سرخ رزم  
 لاله‌های خرداد در بهار خونین شده گواه جان‌بازی‌های خلق  
 شورشی کبیر ، قهر توده‌ها  
 وحدتی فشرده سخت و عزم آهنین مشت‌ها گره بازوان به هم  
 افکنند جهاد خلق به کوه‌ها طنین  
 شد گواه سرخ جان‌بازی‌های خلق / استقلال ، آزادی ، انقلاب  
 لاله‌های خرداد ، در بهار خونین  
 شد گواه جان‌بازی‌های خلق



## شهید

شهید، شهید، شهید

راه تو افتخار، نام تو ماندگار، عزتت پایدار

مرگ سرخت خروش روزگار

ای غمت جاودان، در دل عاشقان

خون تو در جهان، می کند گل فشان

هر بهار، هر بهار

شهید، شهید، شهید

راه تو افتخار، نام تو ماندگار، عزتت پایدار

مرگ سرخت خروش روزگار

ای غمت جاودان، در دل عاشقان

خون تو در جهان، می کند گل فشان

هر بهار، هر بهار

تا محو دشمن، ای همره من (۲)

ننشینم از یا، عزم تو دارم

ره می سپارم تا فتح فردا

ای زنده یاد با توام قرار، در سپیده‌ی اولین بهار (۲)

تا محو دشمن، ای همره من (۲)

ننشینم از یا، عزم تو دارم

ره می سپارم تا فتح فردا

ای زنده یاد با توام قرار، در سپیده‌ی اولین بهار (۲)



## به فردا

شعر از: محمد زُهری

به گلگشت (۳) جوانان

یاد ما را زنده دارید

ای رفیقان، ای رفیقان (۲)

که ما در ظلمت شب‌ها

زیر بال وحشی آن

خفاش خون آشام (۳)

نشان‌دیم این نگین صبح روشن را

بروی پایه انگشتر فردا (۴)

و خون ما (۳)

به سرخی گل لاله کل لاله (۸)

و خون ما (۳)

به گرمی لب تب‌دار عاشق (۲)

و خون ما و خون ما

به پاک‌ی تن بی‌رنگ زاله

ریخت بر دیوار هر کوچه

(آه هر کوه) ۴

رنگی زد به خاک تشنه هر کوه

(آه شهری) ۴

و نقشی شد به فرش سنگی میدان هر شهری

(که می‌بافید) ۳

و این است آن پرند نرم شنگرفی که می‌بافید

و این است آن گل آتش فروز سرخ شمعدانی

(که می‌خندد) ۳

که در باغ بزرگ شهر می‌خندد

(که می‌خواهید) ۳

و این است آن لب لعل زنائی را که می‌خواهید

شما یاران، نمی‌دانید

(آب می‌کرد) ۳

چه تبه‌هایی تن رنجور ما را آب می‌کرد

(داغ می‌شد) ۳

چه لب‌هایی به جای نقش خنده داغ می‌شد

(نابود می‌گردید) ۲

و چه امیدهایی در دل غرقاب خون نابود می‌گردید

حصار ساکت زندان که در خود می‌فشارد نغمه‌های زندگانی را

هو ... هو ...

و رنجی که اندرون کوره خود می‌گدازد آهن تنها

هو ... هو ...

اما (۳)

طلسم پاسداران فسون هرگز نشد کارا

کارا، کارا، کارا، هرگز، کارا، هرگز

کسی از ما (۳)

نه پای از راه گردانید

و نه در راه دشمن گام زد

هرگز گامی، هرگز گامی، هرگز

و این صبحی که می‌خندد بر روی بامهاتان

و این نوشی که می‌جوشد درون جامهاتان

گواه ماست ای یاران

گواه پای مردی‌های ماست

گواه عزم ماست کز رزم‌ها جانانه‌تر شد

گواه عزم ماست، گواه عزم ماست، عزم ماست

کز رزم‌ها جانانه‌تر شد

www.KetabFarsi.com

بخش هشتم  
زندان و زندانی 





## قهرمانان

این سرود توسط رفیق جان باخته عباس صابری  
(از کادرهای رهبری حزب رنجبران ایران)  
در سال ۱۳۵۶ در زندان قزل قلعه سروده شده است  
بر وزن ترانه آذری، «اولری وار خاناخانا».

ای جوانان ، رفقا ، قهرمانان	جان در ره میهن خود بدهیم بی مهبا (۲)
از خون ما ، رفقا ، لاله روید	پر لاله و گل بشود همه جا چون گلستان (۲)
چون دماوند ، سرفرازیم	در ره خلق جان ببازیم
	در راه وطن خون گر بچکد بار دیگر
	یک پا ننهیم قدمی به عقب تا دم مرگ (۲)
چون شهیدان ، سرفرازیم	در ره خلق جان ببازیم
پیکر ما غرقه در خون	چون شود از ره نمائیم
	بر خاک وطن خون گر بچکد بار دیگر
	یک پا ننهیم قدمی به عقب تا دم مرگ (۲)
ای رفیقان ، قهرمانان	باید برویم همگی به ره خلق ایران (۲)
خلق ایران ، رفقا ، همره ماست	زین رو وطنم آزاد و رها گردد از بند (۲)

## میلااد

فروزان ز داغ شکنجه / گدازان ز خورشید خشم  
چهار فصلت از کینه‌ها ، پر گل زندان‌ها  
گمانش گرفته مرگ راهت / اما مرگ تو میلادی تازه است  
نمی‌شد گلوله به روحت زد / گرفتند قلبت نشان  
گره خورده مشیت تو با ما در میدان‌ها  
گمانش گرفته مرگ نامت / اما نام تو بس پر آوازه است  
نه اشکی به خاکت فشانند / نه از گل به گورت نشان  
به مشیت گره کرده بر گورت انسان‌ها  
گمانی که آتش فشان سرد است / اما کوه فکرت پرگدازه است  
از آن ماست آینده شاد / تو می‌گفتی و ما هنوز  
به فردا که برتابد آفتاب انقلاب / فروپاشد این زندان‌ها از هم  
دنیا دیگر یک دنیای تازه ست



## بدرود در زندان

شعر: سعید یوسف

آهنگ: کورش اقتصادی‌نیا

یاران من، ای رادمردان برومند / ای یاوران خلق، ای پیلان دربند

ای خشمگین شیران در زنجیر، بدرود

بدرود، ای یاران هم‌زنجیر، بدرود،

بدرود ...

ای آشنایان عذاب و مرگ و دژخیم / نا آشنا با ترس و بیم و ننگ تسلیم

قهرنده در کام خطر چون شیر، بدرود

بدرود، ای یاران هم‌زنجیر، بدرود،

بدرود ...

آزادگانید و چنین زنجیر بر دست / ای پاک‌بازانی که در نزد عدو هست:

ایمان‌تان جرم و شرف تقصیر، بدرود

بدرود، ای یاران هم‌زنجیر، بدرود،

بدرود ...

بدرود، ای گردان یل، مردان ناورد / تیری است جان، باید به پیکارش رها کرد

ما هم رها خواهیم کرد این تیر، بدرود

بدرود، ای یاران هم‌زنجیر، بدرود،

بدرود ...

ایام صحبت را بقایی نیست، دردا / امشب چنین جمعیم و خندان، لیک فردا

چون سرزند خورشید عالمگیر، بدرود

بدرود، ای یاران هم‌زنجیر، بدرود،

بدرود ...

سهل است در زندان به روی سنگ خفتن / سخت است با یاران ولی بدرود گفتن

چون گفت می‌باید به هر تقدیر بدرود

بدرود، ای یاران هم‌زنجیر، بدرود، بدرود ...

## وفاتامرگ

از سرودهای حزب رنجبران ایران

بسی آزادگان در بند و زندان  
سرود رزم و آزادی یاران  
خشم ملت ما گشته خروشان  
خیزد از هر گوشه‌ی خاک ایران (۲)  
بی‌هراس از مرگ و بی‌هراس از زندان  
وفا تا مرگ یاران هم عهد و هم پیمان (۲)  
بهراهی کز خون شهیدان سرخ است  
اینک که راه خلق لاله باران است  
ز هر قطره‌ی خون صد لاله رسته است  
درو باید بذر سرخ یاران را (۲)  
بی‌هراس از مرگ و بی‌هراس از زندان  
وفا تا مرگ یاران هم عهد و هم پیمان (۲)

## زندانیان خسته

شعر: سعید سلطانپور

ای دوست ای برادر زندانی (۲)  
میان مسلخ اندیشه و امید  
اینجا میان مسلخ اندیشه  
روی فلات خون و فلز و کار (۲)  
روی کرانه ماهی و مروارید  
در بندر نظامی نفت و ناو  
و در کشتزارهای برنج و چای (۲)  
ما این بام‌های کوچک توفان (۲)  
در کشته‌های سرد قزل قلعه  
در بندهای سرد اوین و حصار  
زندانیان خسته‌ی این خاک نیستیم  
زندانیان خسته‌ی این خاک (۲)  
در بند کارخانه و کار ستمگرند  
زندانیان خسته زندان کشورند (۲)  
ای دوست ای برادر زندانی  
ای دوست ای برادر زندانی





## زندانی

بر وزن ترانه «امشب در سر شوری دارم»، خواننده پروین

زندانی ای اوج فریاد، زندانی ای هر دم در یاد  
 ای که شور و عزم آهنینت، مردانه آوای آخرینت  
 در نگه همگان تو همان شیری، کز جور زمان تو به زنجیری  
 خونین پیکار تو، فردا از آن تو وارث خون تو که بیدار است  
 ژاله ز پاک روی تو می بارد بر خاک راه تو، برپا آواز تو  
 نقش جانبازیت همه جای اوین نشانه ای از رزم بیژن گرد و دلیر  
 حماسه ی تاریخ پرر فراز و نشیب  
 برای ما درسی دیگر دارد نوید پیروزی در بردارد (۲)  
 زندانی ای اوج فریاد، زندانی ای هر دم در یاد  
 ای که خلق از استقامت تو گوید مدحت خصم و دشمن تو  
 زندانی ای اوج فریاد، زندانی ای هر دم در یاد  
 در ره خلق دلیر سرنگون سازد از بهر استقلال از بهر آزادی  
 در ره آتش و خون تو بستی بیمان دست شکنجه گر با تو شده لرزان  
 پیچد در هر کران نام تو جاویدان عقاب آزادی درآمد به پرواز  
 زمین شهر و ده می دهد این آواز به ره یاران باید جان نهاد  
 چون بیژن و ستار و حیدر خان

## فرزند خلق

فرزند خلق ای زندانی  
 در ره رهایی خلق جان نهادی  
 از رزم تو به پا خاستیم  
 در نبرد با دشمن آزادی (۲)  
 دشمن خلق دشمن توست  
 خلق ایران همره توست  
 نابود بکنند ارتجاع و امپریالیسم (۲)




## برخیز ای رزمنده هموطن

ویران کن این کاخ اهرمن  
 تا کی بینی آخر از ستم  
 یارانت را گلگون کفن  
 تا قهر انقلاب توده تکیه گاه ماست  
 فر و فرهی در انتظار راه ماست  
 با علم و اندیشه ای نوین  
 با ضد خلق خشم و قهر و کین  
 در راه خلق گریک نفر قهرمان جان دهد  
 صدها نفر جای او پانهد  
 بریا برپا ای هموطن  
 یارانت شد گلگون کفن  
 در زندان ها از شکنجه ها  
 سرها گشته از بدن جدا  
 اینک برای بار دیگری بپا شویم  
 انقلاب دیگری ز نو به پا کنیم  
 در راه خلق جان فدا کنیم  
 از راه خلق ما دفاع کنیم  
 در راه خلق گریک نفر قهرمان جان دهد  
 صدها نفر جای او پانهد



www.KetabFarsi.com

بخش هفتم؛  
مبارزین 





## چریک فدایی (\*)

شعر از : سعید یوسف

روی آهنگ شهروزاد ریملسکی کورساکف  
(زندانبان اوین، احتمالاً اوایل شهریور ۱۳۵۰)

باز این من و این شب تیره بی پگاه ...  
مزرع سبز فلک درو کرده داس ماه ...  
شب بی پگاه ...  
درو کرده داس ماه ...

هر غریو مسلسل چون شهابی آتشین  
می دوزد بر قلب دشمن خلق پر ز کین  
(هان به پای ... ای خلق ایران به پای ...  
هان برای ... از خواب غفلت برای ...) (۲)  
(هان بی پای ... هان برای ...) (۲)  
هان به پا ... به پا ... به پا ... به پای ...  
برخیز ای جوان ، بسان شیرزبان  
زنجیر گران ، ز پا بیفکن ، که جان  
در راه وطن ، همچون دیگران ، ببایدت باخت  
دست کارگر به دست دهقان گذار  
کاین پیمان سخت ، فزون ز حد شمار ،  
کاخ ارتجاع و ظلم و ستم ز بن برانداخت  
خورشید فروزان انقلاب سر بر زد از پشت کوه  
شام تیره آمده به ستوه از خورشید پر شکوه ، از خورشید پر شکوه ...  
(من چریک فدایی خلقم ، جان من فدای خلقم  
جان به کف خون خود می فشانم ، هر زمان ، برای خلقم) (۲)  
در پیکار خلق ایران پرچمدار توده هایم  
ایران ، ای گنام شیران وقت رزم تو شد  
خلق قهرمان ایران هم رزم است و هم نوایم  
ایران ای گنام شیران وقت رزم تو شد

(\*) - این سرود بعداً با صدای حمید اشرف هم خوانده شده ویر روی نوار موجود است .  
برای آشنایی با تاریخچه این سرود به ضمیمه ۱ مراجعه کنید .

## بحر خزر ناله سر کن

آهنگ: ترانه «مرغ سحر»

شعر: سعید یوسف

سال ۱۳۵۰ - زندان جمشیدیه

بحر خزر ناله سر کن / داغ مرا تازه تر کن  
 خون جوانان گر ندیدی / جنگل گیلان را نظر کن  
 خیز و نگه کن که ز خون دلاوران / جنگل سبز تو شده رنگ ارغوان  
 جان و دل توده از این آتش نهان / پر شرر کن / شعله ور کن  
 هان بپای ای خلق بیدار / پرچم سرخ شد پدیدار  
 (پیش سرنیزه‌ی خصم خونخوار / سینه را بی مه‌بابا سپر کن) (۲)  
 انقلابی وقت کار است، قلبم از درد کینه بار است  
 گر چریک فدایی خلقی، چون کتیرایی از جان گذر کن  
 دار گرامی تو او را / هیچ نبخشای عدو را  
 هان مبر از یاد، یاد او را / ور بگشی صد فرسیورا  
 مام وطن را غم مرگ تو کرده پیر / خلق «لر» از داغ تو در دست غم اسیر  
 دل چه کند بی تو کتیرایی کبیر / (آرزو را) (۲)  
 سینه را از کینه پر کن / دشمن خلق را ترور کن  
 انتقام کتیرایی از خصم / گیر و از بن پرافکن عدو را

## فدایی

شعر از: سعید یوسف

آهنگ: از سرودهای فلسطینی

فدایی فدایی فدایی چریک فدایی خلق / فدایی فدایی فدایی فدایی فدای رهایی خلق  
 ستیزت فروزان و خشم تو سوزان / شدت پیشه اندیشه‌ی تیره روزان  
 (سلاحت خروشنده، خون تو جوشنده، عزم تو توفتح نهایی خلق) (۲)  
 فدایی فدایی فدایی چریک فدایی خلق / فدایی فدایی فدایی فدای رهایی خلق  
 به عزم رهایی ایران خویش / به شادی فدا می‌کند جان خویش  
 (سپهری خلق و کریمی خلق و رضایی خلق و صفایی خلق) (۲)  
 فدایی فدایی فدایی چریک فدایی خلق / فدایی فدایی فدایی فدای رهایی خلق  
 نهال رهایی شکوفان کنم من / به کین خواهی توده طوفان کنم من  
 (کلام فدایی، مرام فدایی و نامم فدایی فدایی خلق) (۲)  
 فدایی فدایی فدایی چریک فدایی خلق / فدایی فدایی فدایی فدای رهایی خلق



## در بهار خلق

شعر: سعید یوسف  
سال ۱۳۵۰ - زندان جمشیدیه  
با صدای حمید اشرف

در بهار خلق ، باد پائیزی کی وزد / غیر خلق بر لب ، گر آرم چیزی کی بسزد  
مهر خلق در جانم فروزان باد / در دلم از کین خواهی طوفان باد  
من چریک فدایی خلقم / جان من چون هزاران ، فدای خلق  
غرق خون باید امروز من و تو / تا ز خلق باشد فردای خلق  
یکدم از پای ننشینم اندر این پیکار / تا براندازم هر ستم هر استثمار  
نظم دیرین از بن براندازم / تا نوین دنیایی برپا سازم  
من چریک فدایی خلقم / جان من چون هزاران ، فدای خلق  
غرق خون باید امروز من و تو / تا ز خلق باشد فردای خلق  
از چریک های فدایی خلق آموز / مشعل سرخ رهایی خلق بر فروز  
پیش رو چون داری ترگل ها را / در پس خود ویران کن پل ها را  
من چریک فدایی خلقم / جان من چون هزاران ، فدای خلق  
غرق خون باید امروز من و تو / تا ز خلق باشد فردای خلق

## رزم آوران

رزم آوران ایران/ ما در راه توده جان بازم / کاخ ستم کاران/ پرچم پیروزی افزایش  
ایران می شوی آباد/ توده می شوی آزاد / توده بپا خیز/ توفان برانگیز/ برگن بنای ستم  
ره گشای راه توده رزم ماست ، رزم ماست ، رزم ماست  
انعکاس خشم توده عزم ماست ، عزم ماست ، عزم ماست  
ما چریک های فدایی خلق ایرانییم  
ره گشای راه توده رزم ماست ، رزم ماست ، رزم ماست  
انعکاس خشم توده عزم ماست ، عزم ماست ، عزم ماست  
سر برمی زند خورشید / از پی تیره گی های شوم  
رود از بند بیداد / خلق محروم این مرز و بوم  
اکنون هنگام جنگ است / نی هنگام درنگ است  
تا برنخیزی ، تا خون نریزی ، دشمن نگردد زبون  
ره گشای راه توده رزم ماست ، رزم ماست ، رزم ماست  
انعکاس خشم توده عزم ماست ، عزم ماست ، عزم ماست  
ما چریک های فدایی خلق ایرانییم





## خون شهیدان

آهنگ: از سرودی فلسطینی

خون شهیدان می جوشد از خاك ایران  
مژگ اختر دارد بیغام صبح روشن  
رعد مسلسل می آرد فریاد طوفان خلق

می جنگد در هر کویی رویاروی دشمن  
می بارد باران آتش بر روی دشمن  
می کوبد از هرسو برج و باروی دشمن  
فدایی، فدایی، فدایی، فدایی  
فدایی می غرّد همچون شیری در بیشه‌ی خلق  
فدایی می بازد جان در راه اندیشه‌ی خلق

می غلطد در خون پیکر فدایی  
می روید از خون سرخش لاله‌ی آزادی  
می پوید ده‌ها پای دیگر راه آرمان خلق

می جنگد در هر کویی رویاروی دشمن  
می بارد باران آتش بر روی دشمن  
می کوبد از هرسو برج و باروی دشمن  
فدایی، فدایی، فدایی، فدایی  
فدایی می غرّد همچون شیری در بیشه‌ی خلق  
فدایی می بازد جان در راه اندیشه‌ی خلق  
یاد «سیه کل» بر فرزند آتش، آتشی سرکش  
در قلب صدها فراهانی

می جنگد در هر کویی رویاروی دشمن  
می بارد باران آتش بر روی دشمن  
می کوبد از هرسو برج و باروی دشمن  
فدایی، فدایی، فدایی، فدایی  
فدایی می غرّد همچون شیری در بیشه‌ی خلق  
فدایی می بازد جان در راه اندیشه‌ی خلق



## ایران، ایران (من چریک خلقم)

من چریک خلقم، خلق یا به بند / سرکش و سرافراز، گرد و سربلند  
 خیز که این نشستن نیست سودمند / تا به کی پریشان، تا به کی نژند  
 (رنگ پرچم خلق خون سرخ ماست / کین ما به خصم از مهر توده هاست) (۲)  
 ای جوان برخیز، با ددان بستیز / در ره آزادی ایران، خون دشمن ریز  
 داد خلقی بستان، بستان / زین کهن چنگی است  
 ایران آبادت بینی / توده آزادت بینی  
 این نخستین ره‌نمایی «سینه‌کل» است / پاسخ دشمن گلوله‌ی مسلسل است  
 خون من اگر فروچکد بکام خاک / چون به‌راه توده‌ها بود مرا چه باک) (۲)

## خلق

تک واژه‌ی وجودی هر چریک / تک واژه‌ای پرطنین  
 هرگز چنین شگرف و ژرف واژه‌ای نبود / در زیر سلطه یانکی، در زیر بار فقر، گشته است پر شکنج  
 در پرتگاه «انبوه کهنسال خفت و ترس» / مهر سکوت به لبانش نقش بسته است  
 اما ..... / هر شکنج چهره‌اش فریاد می‌زند  
 نابود باد اهریمنان جهانی فقر و بردگی / نابود باد مزدور سگ صفت شاه پلید  
 توفان این نوا می‌رسد بگوش هر چریک  
 «امیدهای فرو کوفته» با درد سرد خلق  
 چون شعله‌های خشم، زیانه می‌کشد  
 در خون پیشناز، این خون پیشناز هر روز گرم‌تر، هر روز پاک‌تر  
 هر روز با امید فزون‌تر / می‌دود در تار و پود هر چریک  
 در لحظه‌ای شگرف / در لحظه‌ای که امید هزاران نوا به‌اوست  
 در لحظه‌ای که کین همراه خشم خلق / در تجلی‌گه وجود ظاهر شود  
 نیروی جاودان خلق / از پنجه‌های فدایی  
 بر روی دست‌های کشیده / در روی ماشه است  
 پاهای او / با گام‌های استوار  
 ره می‌کشد به‌سوی صبح / صبح شهادت یک رفیق  
 صبح امید، صبحی که خلق خواسته است / صبح آرزوی هر چریک



## صمد

ای تو پیشاهنگ رفتن  
در شب سرد زمانه  
در آرس چون گل نشانده  
گرمی خونت نشانه

ببین صمد که راه تو  
شد ره هر رودخانه  
کلام تو، پیام تو  
می رود خانه به خانه

ماهی کوچک ، در رهت پویان  
دل پر از کینه ، جان پر از پیکار  
تا که بگشاید ، راه دریا را  
می ستیزد با ، مرغ ماهی خوار  
آتشی در دل ، شعله ها در جان  
می رود بیدار ، می رود هشیار

ای که هر موج ارس را  
باشد از خون تو پیمان  
ماهیان جویباران  
می شناسندت به هر نام  
ببین صمد که راه تو  
شد ره هر رودخانه  
کلام تو ، کتاب تو  
می رود خانه به خانه

قصه های تو راه آزادی  
بازتاب رنج ، انعکاس کار  
ماهی کوچک ، ماهی دریا  
می ستیزد با ، مرغ ماهی خوار  
آتشی در دل ، شعله ها در جان  
می رود بیدار ، می رود هشیار

بخش هشتم؛  
کارگران، دهقانان، زحمتکشان



www.KetabFarsi.com





## سرود اول ماه مه

از سرودهای حزب رنجبران ایران

هموطن ، هموطن ، صبح کارگر دمید  
 ای تو هم‌رزم من ، روز کارگر رسید  
 دوره‌ی انقلاب آمده کنون فراز  
 نوبت ظلم و جور ، این زمان بسر رسید  
 سرود بیداری ، پیام آزادی ، شعار استقلال ملک و آبادی  
 در این سرای خوب ما طنین دارد  
 سرود بیداری ، پیام آزادی ، شعار استقلال  
 ملک و آبادی ، در این سرای خوب ما طنین دارد  
 از خروش کارگر چنین بگوش آید      ای توارتش ستمکشان بپا  
 و آن صدای برزگر طنین براندازد      ای دلاوران خلق ما بپا  
 دست خود بهم دهیم و متحد باشیم  
 تا نوین جهان خود بنا کنیم  
 فاتحانه تا به قلب ظالمان تازیم  
 کاخ دشمن بشر ز جا کنیم (۲)  
 برپا کارگر روز افتخار و انتقام توست  
 ای که دوره‌ی زمان به کام توست  
 برکن از جهان ریشه‌ی ستم به‌مشت آهنین  
 تا به کی به جا نشستن ، این چنین  
 قطره‌های خون هر شهید مشعلی به‌راه پاک توست  
 مشت کینه زن به خصم خود زانکه در پی هلاک توست  
 از خروش کارگر چنین بگوش آید      ای توارتش ستمکشان بپا  
 و آن صدای برزگر طنین براندازد      ای دلاوران خلق ما بپا  
 دست خود بهم دهیم و متحد باشیم  
 تا نوین جهان خود بنا کنیم  
 فاتحانه تا به قلب ظالمان تازیم  
 کاخ دشمن بشر ز جا کنیم (۲)

## سرود اول ماه مه

به پیش، به پیش، کارگر به پیش  
 به پیش، به پیش، رنجبر به پیش  
 اول ماه مه روز توست  
 اول ماه مه روز رزم توست  
 رهایی جهان به دست توست  
 چشم عالمی به راه توست  
 به اهتزاز درآور پرچم سرخ زحمتکشان را  
 به جنبش درآور ارتش نفرینیان را  
 به توپ خود بکوب کاخ بیداد را  
 رقم بزن تاریخ رنج و زحمت را  
 خشم سرکوفته آتش فشان کن  
 کین خود بر ظالمان عیان کن  
 ز هم بیاش نظم کهنه را  
 بنا بکن جهان تازه را  
 کین تو مقدس است  
 خشم تو مقدس است  
 رهایی جهان به دست توست  
 چشم عالمی به راه توست  
 به اهتزاز درآور پرچم سرخ زحمتکشان را  
 به جنبش درآور ارتش نفرینیان را  
 به توپ خود بکوب کاخ بیداد را  
 رقم بزن تاریخ رنج و زحمت را  
 رهایی جهان به دست توست  
 چشم عالمی به راه توست  
 رهایی جهان به دست توست  
 چشم عالمی به راه توست



## سرود کارگر

از سرودهای حزب رنجبران ایران

با سرانگشت زحمتکشان	چرخ صنعت به گردش فند
کارگر، کارگر، کارگر (۲)	پس چرا خود نگیرد ثمر
بشکنند پشت بیگانگان	بازوان توانای ما
کارگر، کارگر، کارگر (۲)	کی بود ترسمان از خطر
طلیعه‌ی آزادگی دمید	شب سیاه بردگی گذشت
ز سلطه‌ی بیگانگان رهید	کنون بیاید باتوان خلق
به زندگانی کار دیگری (۲)	نمی‌کنیم به‌غیر از این
نمی‌رویم جز راه خلق خویش	قسم به‌دست پینه بسته‌ها
کنون بپای کارگر به پیش	کنون ز جا ای برزگر بخیز
ز بیخ و بن کاخ ستمگری (۲)	که برکنیم به اتحاد

## می‌رسد از ره توفان

می‌دود، خون کارگران در رگان هر کالا (۲) / تا جهان را سازد برما، شب زندان کارفرما  
 تا بسازد از خون ما، قصری هرگوشه برپا / می‌زند شخم کین بر زمین، برزگر پیرما (۲)  
 تا بکارد، بر ندارد، سهمی از کار خود را  
 خورد از باب، بیند در خواب، خوش و خرم دنیا را  
 می‌رسد از ره توفانی دگر (۲) / تا بروید استثمار از این جهان  
 روز فرمان عدل کارگر (۲) / می‌شکوفد شادی در کشت دهقان  
 می‌دود، خون کارگران در رگان هر کالا (۲) / تا بگردد خرج ما و جیب سرمایه‌دارها  
 تا بگردد با خون ما آسیاب دولت‌ها / می‌رسد از ره توفانی دگر (۲)  
 تا بروید استثمار از این جهان / روز فرمان عدل کارگر (۲)  
 می‌شکوفد شادی در کشت دهقان





## بگو به کارگر

بگو به کارگر، بگو به برزگر / بگو هراس حاکمان، از اتحاد ماست  
 بگو به مردمان، جدال حاکمان / برای سهم غارت قیام توده‌هاست  
 نه در کویر این، نه در سراب آن / نیایی از بهار توده‌ها نشان  
 بخوان که در زمین، سرود آخرین / نشسته بر لبان عاشقت  
 صدا بزن صدا، جهان تازه را / میان بازوان عاشقت  
 بگو به کارگر، بگو به برزگر / بگو هراس حاکمان، از اتحاد ماست  
 بگو به مردمان، جدال حاکمان / برای سهم غارت قیام توده‌هاست  
 نه در پیام این، نه در کلام آن / زدست پینه بسته‌ات، نشانه نیست  
 نه در شعور این، نه در شعار آن / رهایی از نظام این شکنجه‌خانه نیست  
 ببین ز چشم ما، به بانگ توده‌ها / چگونه گله‌های خواب می‌رمند  
 ببین که بردگان، به سقف آسمان / چگونه مشت می‌زنند و آفتاب می‌دمد  
 بگو به کارگر، بگو به برزگر / کز اتحادتان شکوفه‌ها دهد، درخت زندگی  
 بگو که پتک تو، بگو که داس تو / بگوید و درو کند، نظام بردگی

## شورا

از کارخانه‌ها می‌آید این صدا، شورا بپا کنید هر جا  
 تا گل دهد بهار اتحاد زحمتکشان، در این سرما  
 از کارخانه‌ها می‌آید این صدا، شورا بپا کنید هر جا  
 تا گل دهد بهار اتحاد زحمتکشان، در این سرما  
 برپا برپا، برپا برپا، ای زحمتکشان برپا  
 دست در دست هم شورا بپا کنیم، خود را رها کنیم از بند  
 کوبیم مغز هر ستمگری، برسنگ کینه‌های دیرین ما  
 برپا برپا، برپا برپا، ای مرد و زن برپا / تا صدا کنیم ز هر سو یاران را  
 تا با توده‌ها، رها کنیم خود را، از بند وابستگی‌ها / تا صدا کنیم ز هر سو یاران را  
 تا با توده‌ها، رها کنیم خود را از بند وابستگی‌ها